

ابنا: رجعت در لغت و اصطلاح به چه معناست؟

- بسم الله الرحمن الرحيم. رجعت، در لغت به معنی بازگشت است؛ اما بازگشت به جایی که انسان سابقه ای در آن دارد. رجعت به معنی بازگشت است و معنای «در جایی که قبلا در آن بوده» در این کلمه نهفته است. در قرآن آمده است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» قسم به آسمان که دارای «رَجْع» است. «رَجْع» به معنی باران است و دلیل اینکه به آن «رَجْع» می گویند این است که همیشه در گردش است و از بین نمی رود یعنی آب، بخار شده به آسمان می رود، تبدیل به ابر می شود و به صورت بارش باران یا برف به زمین دوباره برمی گردد و این چرخه ادامه دارد. یا به پاسخنامه می گویند مرجوع، یا ترجیع که در فارسی به معنی چهچهه زدن است یا «إمرأة الراجع» به زن بیوه ای که به منزل پدرش برمی گردد، گفته می شود. پس در لغت هر جا رجعت به کار برده شود به معنی بازگشت به مکانی است که در آن بوده است و سابقه دارد.

در اصطلاح مباحث مهدویت، رجعت به معنی بازگشت دو گروه از مردگان به دنیا به همان صورتی که در گذشته بودند، پس از ظهور و قبل از قیامت است. در تک تک کلماتی که در این تعریف آمده است، نکته وجود دارد. اینکه گفتیم بازگشت دو گروه از مردگان، در رجعت ما معتقدیم هم مؤمنین و هم کفار به دنیا باز می گردند و به اینگونه نیست که افراد جدیدی بیایند. گفتیم به همان صورتی که در گذشته بوده اند، نه آنکه دچار تناسخ ارواح گردند، در رجعت منظور آن نیست که روح انسان در قالب بدن جدید یا پیکر حیوانات برمی گردد بلکه به همان صورتی که در گذشته بوده است پس از رجعت نیز همانگونه بر می گردد و این رجعت اصطلاحی ما، باید پس از ظهور و قبل از قیامت باشد. شیخ مفید در کتاب اوایل المقالات در این زمینه مطلبی نوشته و ادله ای نیز آورده است.

ابنا: رجعت در روایات شیعه چه جایگاهی دارد و آیا اهل سنت نیز به رجعت اعتقاد دارند؟

- در شیعه روایات رجعت فراوان است مثلا شیخ حر عاملی کتابی پیرامون رجعت با نام «الایقاظ من الهجعة برهان علی الرجعة» دارد که در این کتاب بیش از ۵۰۰ حدیث در زمینه رجعت آورده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار روایات رجعت را آورده و می نویسد: «روایات رجعت متواتر است و اگر نگوییم که روایات رجعت متواتر است ما دیگر در هیچ زمینه ای نمی توانیم ادعای تواتر نماییم.» این حرف نشان از حجم بالای احادیث در این زمینه دارد به گونه ای که به اعتقاد برخی از علما، جزء ضروریات مذهب شده است. حتی حدیثی در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ مَرْحُومِ شَيْخِ صَدُوقِ از امام صادق (ع) نقل شده که می فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا» کسی که به رجعت ایمان نیارد، از ما نیست.

احادیث در زمینه رجعت علاوه بر کتب فوق در کتاب های زیادی از جمله مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی، کتاب کمال الدین و تمام النعمه از شیخ صدوق و الغیبه شیخ طوسی و کتاب های دیگر نیز آمده است. ما چند

روایت از کتاب شیخ حر عاملی در این زمینه بیان می کنیم:

امام صادق (ع) می فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.» «روزهای خدای عزوجل سه روز است: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت.»

در زیارت رجبیه که نایب سوم امام زمان (عج)، حسین بن روح نوبختی نقل می کنند «: وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ» خدا این سعادت را به من اعطا کند که در زمان رجعت شما برگردم. علمای شیعه در بحث رجعت متفق القول اند و حتی یک نفر هم نداریم که آن را رد کند و برخی از آنان گفته اند که رجعت از ضروریات مذهب است. پس در اصل رجعت شیعه اتفاق نظر دارد.

در اهل سنت عده اندک و انگشت شماری رجعت را قبول کردند آن هم به نحو اجمال، نه به تفصیل شیعه. مثلاً قبول دارند که اصحاب کهف رجعت می کنند. اهل سنت رجعت را قبول ندارند و حتی به آن طعنه هم می زنند. بعضی از علمای اهل سنت نیز می گویند که رجعت از اعتقادات عرب جاهلی است (النهاية في قریب الحدیث و الاثر، ابن الأثیر، ج ۲، ص ۲۰۲)، یا در جای دیگر می گویند اعتقاد به رجعت، جزء اعتقادات یهود، نصارا، بدعت گزاران و هوا پرستان است (اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی العشریه، ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، ج ۲، ص ۹۲۷). جالب است بدانید شرح حال نویسان اهل سنت در کتاب های تراجم در روایان مشترک بین اهل سنت و شیعه، برخی را رد می کنند به دلیل اینکه آنها به رجعت ایمان دارند. مثلاً «جابر بن یزید جعفی» که از خواص اصحاب امام محمد باقر (ص) است و روایتی وجود دارد که هر چه می گفت راست بود. اما در اعتقاد اهل سنت، در کتاب تهذیب الکمال ج ۴، جابر جعفی ضعیف و کذاب است زیرا به رجعت ایمان دارد. یا شعبی در مورد جابر جعفی و داوود ابن ابی یزید، در تهذیب الکمال ج ۸ می گوید: «اگر روزی من این دو را گیر بیاورم و چیزی جز یک سوزن پیدا نکنم، این دو را با سوزن به هم می دویم.» الکامل فی الضعفاء الرجال، راجع به جابر می گوید: «من از جابر هیچ حدیثی نمی گویم زیرا به رجعت ایمان دارد.» ما کسانی را داریم که اهل سنت به خاطر اعتقادشان به رجعت، آنها را رد می کنند .

جالب است که این مسئله به تمسخر اهل سنت نیز کشیده شده است که یک نمونه را بیان می کنیم .ماجرایی بین ابو حنیفه و مؤمن طاق رخ داده که هر دو شاگرد امام صادق (ع) (بودند. روزی ابو حنیفه به مؤمن طاق گفت: آیا تو به رجعت اعتقاد داری؟ گفت :بله. ابو حنیفه در حال تمسخر گفت: از جیبت ۵۰۰۰ دینار به من پول بده، وقتی در رجعت من و تو برگشتیم، من آن را به تو پس می دهم. مؤمن طاق سریع جواب داد: ضمانتی به من بده که در روز رجعت، به شکل انسان می آیی؛ می ترسم به شکل میمونی درآیی و من نتوانم قرضم را پس بگیرم. مؤمن اینگونه پاسخ داد چون اهل سنت به تناسخ اعتقاد دارند.

ابنا: جایگاه رجعت در قرآن را بیان کنید.

- یکی از راههای اثبات رجعت، به وسیله آیات قرآن است. ما در قرآن سه دسته آیات در این زمینه می توانیم بیان کنیم.

دسته اول آیاتی که دلالت بر امکان رجعت می کند: برای نمونه آیاتی که در مورد قیامت صحبت می کند، طبیعتاً امکان رجعت را هم می رسانند؛ مانند سوره حج آیه «: كَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». این (آثار قدرت) دلیل است که خدا حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققاً بر هر چیز تواناست. ممکن است کسی بگوید که این آیه مربوط به قیامت است، ما نیز حرفی نداریم؛ در رجعت نهایت حرف ما این است که خدا مردگان را زنده می کند.

آیه دیگری که امکان رجعت را بیان می کند در سوره یاسین آیات ۷۸-۷۹ است: «: وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ». و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت: «چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می بخشد؟» بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر گونه آفرینشی داناست.»

دسته دوم آیات رجعت به دنیا در اقوام گذشته است. من اگر بخواهم از همان اول قرآن شروع کنم، سوره بقره آیات ۲۵۹-۵۶-۷۳-۲۴۳ و آیات بسیار دیگر در سوره های دیگر در این زمینه وجود دارد. من آیه ۲۵۹ سوره بقره که داستان عزیر پیغمبر است را بیان می کنم: «: أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ». یا به مانند آن کس (عزیر) که به دهکده ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود ، گفت: (به حیرتم که) خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد! پس خداوند او را صد سال میراند سپس زنده کرد و برانگیخت و به او فرمود که چند مدت درنگ نمودی؟ جواب داد: یک روز یا پاره ای از یک روز درنگ نمودم. خداوند فرمود: بلکه صد سال است که به خواب مرگ افتاده ای، نظر در طعام و شراب خود بنما که هنوز تغییر ننموده اند، و الاغ خود را بنگر (که اکنون زنده اش کنیم تا احوال بر تو معلوم شود) تا تو را حجت و نشانه ای برای خلق قرار دهیم (که امر بعثت را انکار نکنند) و بنگر در استخوانهای آن که چگونه درهم پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم. چون این کار بر او روشن گردید ، گفت: به یقین می دانم که خدا بر هر چیز قادر است.

خداوند در آیه ۵۶ سوره بقره نیز می فرماید: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». و (یاد آرید) وقتی که گفتید: ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه خدا را آشکار ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن را مشاهده می کردید. سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم شاید خدا را شکر گزارید. روایتی از امام علی (ع) در بحارالانوار جلد ۵۳ در مورد این افراد وجود دارد که می فرمایند: این عده زنده شدند، به خانه خود بازگشتند، مثل مردم زندگی کردند، صاحب فرزند شدند و وقتی مرگ آنان رسید همانند مردم عادی از دنیا رفتند.

دسته سوم آیاتی در مورد رجعت به دنیا در اقوام آینده است. به طور مثال در سوره نمل آیه ۸۳ آمده است: «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ». و (ای رسول، امت را به یاد آر) روزی که از هر قومی یک دسته را که تکذیب آیات ما می کنند بر می انگیزیم و آنها (برای سؤال) باز داشته خواهند شد. این آیه بهترین دلیل برای واقع شدن رجعت در امت ماست. در کتاب مجمع البیان از مرحوم طبرسی حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که می فرماید: کسی محضر امام صادق (ع) رسید و راجع به آیه فوق سؤال کرد. امام فرمود: مردم (اهل سنت) راجع به این آیه چه می گویند؟ آن شخص گفت: مردم می گویند این آیه راجع به قیامت است که خدا مردم را محشور می کند. امام فرمود: این آیه مربوط به روز قیامت نیست، آیا خداوند در روز قیامت دسته ای را بر می انگیزد و عده دیگری را رها می کند؟ این آیه مربوط به رجعت است.

سوره انبیا، آیه ۹۵ نیز همانند آیه فوق و مربوط به رجعت در آینده است.

ابنا: فلسفه و فواید رجعت چیست؟

- طبق احادیث یکی از فلسفه و فواید رجعت، تحقق وعده الهی در نصرت مؤمنان است. همانطور که در سوره فاطر آیه ۵۱ خداوند می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» بی تردید ما پیامبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی دادن] به پا ایستند، یاری می کنیم. در کتاب بحارالانوار جلد ۵۳، امام صادق (ص) ذیل این حدیث فرمودند: اینکه ما پیامبران و مؤمنان را یاری می کنیم - به خداوند قسم - در رجعت است؛ ندیدی بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند. مانند ۷۰ پیامبری که در یک روز توسط قوم بنی اسرائیل کشته شدند. خداوند وعده داده است که حتماً آنها را یاری می کند. آن دوره تاریخ به گونه ای بود که ظرفیت تحقق این وعده الهی را نداشت پس در رجعت این اتفاق می افتد.

فلسفه دوم رجعت، عزت مومنان و ذلت کافران است. یعنی عزت مؤمنین در دنیا قبل از مرگ همانگونه که خداوند خواسته است، برای مردم آشکار نگشت. این نکته را باید بگوییم که پاداش واقعی در قیامت است و خداوند بخشی از پاداش خود را در این دنیا قرار داده است. همانطور که در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است:

مؤمنان برمی گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد و تبهکاران برمی گردند تا خداوند آنها را خوار کند. (بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۶۴). بعد حضرت فرمود: غیر از آن عذاب اکبر، ما یک عذاب ادنی هم داریم که به کافران در این دنیا خواهد رسید.

خداوند در آیه ۱۲۴ سوره طه می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش تنگ می شود و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم. راوی می گوید از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق سؤال کردم که این آیه می گوید: دشمنان اسلام در تنگی معیشت و سختی زندگی گرفتار می شوند، اما اکنون که دشمنان در ناز و نعمت هستند و با ناز و نعمت هم می میرند؟ امام فرمود: بگذار ایام رجعت برسد می بینید که چه زندگی تنگ و سختی خواهند داشت.

فلسفه سوم رجعت برخورداری مؤمنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر (عج) است. خیلی از مؤمنان دوست دارند، توفیق در رکاب امام زمان بودن را داشته باشند و امام را به هر نحوی که امکان دارد یاری کنند. کسانی که از دنیا می روند، این توفیق از آنها سلب می شود و برای رفع این محدودیت، خداوند رجعت را قرار داده است تا مؤمنین راستین که تنها مانع آنها برای قرار گرفتن در زمره یاران حضرت ولی عصر (عج) مرگ است با رجعت این مانع برطرف شود. در ادعیه های ما نظیر دعای عهد و سایر دعاها نیز این مطلب آمده است.

طبق احادیث، فلسفه چهارم رجعت اقامه حدود و قصاص اجرا نشده است. گرفتن انتقام مظلوم از ظالم، تشریف دل مومنین و سایر فلسفه ها نیز از دیگر اهداف رجعت هستند که در روایات آمده اند. امام کاظم (ع) در بحار الانوار جلد ۵۳ فرمودند: «مردمی که مردند به دنیا برمی گردند، انتقام خودشان را از هرکسی آزار دیده اند، می گیرند.» یا امام صادق (ع) راجع به سید الشهداء (ص) فرمود: «اولین کسی که به دنیا برمی گردند، امام حسین (ع) و یارانش است و آن طرف یزید و یارانش هستند و همانطور که یزید امام و یارانش را شهید کردند، یزید و یارانش به وسیله امام حسین و یارانش از بین خواهند رفت.»

فلسفه پنجم رجعت طبق احادیث، ظهور قدرت الهی در رجعت است. امام صادق (ع) ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» می فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «روزهای خدای عزوجل سه روز است: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت». از علامه طباطبایی پرسیدند مگر تمام روزهای سال برای خداوند نیست؟ ایشان گفتند: همه ایام برای خداوند است ولی همه روزها انتساب عام است اما این روزها انتساب خاص به خداوند است زیرا ظهور قدرت خداوند به نحوی است که همه را متوجه خودش می کند.

یکی دیگر از فواید و فلسفه رجعت، ایجاد روحیه استقامت و زنده نگه داشتن روحیه انتظار است. اگر بر فرض محال به کسی بگویند که شما هرچقدر انتظار و سعی و تلاش کنی تا چند نسل از فرزندان نمی توانند زمان

ظهور را درک کنند، ممکن است انسان دچار تزلزل شود. همه ما برای درک زمان ظهور امید داریم و آن چیزی که این امید را تقویت می کند، رجعت است. زیرا اگر نتوانیم زمان ظهور را درک کنیم، چنانچه منتظر واقعی باشیم، با رجعت می توانیم به صف یاران امام زمان (عج) بپیوندیم و مرگ که بین انسان و همه چیز فاصله می اندازد به خواست خداوند بین انسان و امام زمان (عج) نمی تواند فاصله بیاندازد.

شب عاشورا پس از اینکه امام حسین (ع) فرمود هر کس می خواهد برود، من ناراحت نمی شوم، و یارانش اظهار وفاداری کردند. ایشان دو مطلب فرمود: ابتدا جایگاه هر کدام را در بهشت به آنها نشان داد و دوم بحث رجعت را بیان کردند و فرمودند: «بشارت می دهم به شما اگر ما را کشتند، ابتدا پیش پیغمبر می رویم و مقداری که خداوند بخواهد آنجا می مانیم. اولین کسی که زمین برای آن باز می شود من هستم و بر می گردم به زمین.» این حرف در روحیه این افراد تأثیر زیادی گذاشت که امام سجاد (ع) فرمود: «یاران پدرم با صورت به استقبال شمشیر می رفتند.» در دعای عهد نیز همین را بیان می کنیم.

ابنا: سؤال دیگر در مورد رجعت این است که چه کسانی به دنیا رجعت خواهند کرد؟

- به طور کلی، دو گروه مؤمنین و کفار رجعت می کنند. اما همه انسان ها رجعت نخواهند کرد، اگر قرار شود همه برگردند قیامت می شود. در احادیث آمده است که مؤمنین محض و کفار محض رجعت می کنند مانند امام حسین (ع) و یارانش و یزید و یارانش.

نکته بعد اینکه رجعت مخصوص به عده خاصی نیست که محدودیت نفری داشته باشد. با ذکر مثال توضیح می دهیم که ملموس تر باشد. ما می خواهیم در دانشگاهی، به اردو برویم و صد نفر بیشتر ظرفیت نداریم و می گوییم که صد نفری که معدل آنها از همه بیشتر است را می بریم. اما یک بار دیگر می گوییم که می خواهیم اردو ببریم و ظرفیت نفری نداریم مثلاً تمام دانشجویان هم که نمره بیاورند، آنها را هم می بریم. رجعت نیز از برداشت بنده از احادیث اینگونه است و ظرفیت محدودی ندارد.

در روایات رسیده از اهل بیت (ع) عده ای را نام برده اند. نام بردن عده ای به معنای نفی ما بقی نیست و از باب نمونه نام برده شده اند؛ مثلاً ائمه و معصومین جزء رجعت کنندگان هستند که حدیث آن ذکر شد. یا روایاتی داریم که ذکر عدد کرده است برای نمونه امام صادق (ع) فرمود: هنگامی امام حسین (ع) و یارانش رجعت می کنند، همراه ایشان ۷۰ نفر از پیامبران رجعت می کنند. در برخی دیگر از روایات آمده است رجعت برای برگشت افراد صالح امت هاست و نام آنها آمده است؛ مثل، اصحاب کهف، مؤمن آل فرعون، از میان اصحاب پیغمبر و ائمه (ع)، سلمان فارسی، مقداد، مالک اشتر، عده ای از بانوان و عده ای کثیری از مؤمنین و کفار که نام آنها ذکر

نشده است نیز رجعت می کنند.

ابنا: آیا رجعت جسمانی است؟

- بله طبق روایت و احادیث نظیر حدیث امام علی (ع) که ذکر شد، افراد همانگونه که از دنیا رفته اند، به این دنیا رجعت می کنند.

ابنا: اینکه گفته می شود که در رجعت تمام انبیا و امامان (ع) باز می گردند صحیح است؟

- چون همه ائمه و انبیا ما را به قتل رساندند و یاری نشدند، طبق احادیث باید همه آنها رجعت کنند.

ابنا: آیا رجعت اختیاری است؟

- طبق احادیث رجعت برای مؤمنان اختیاری است و به مؤمنینی که در عالم برزخ هستند، عرضه می شود که حضرت مهدی (عج) در دنیا ظهور کردند، آیا می خواهید رجعت کنید؟ اما رجعت در مورد کفار اجباری است، زیرا می دانند که قرار است ذلیل و خوار بشوند به همین خاطر تمایلی به رجعت ندارند.

ابنا: در رجعت آیا امکان توبه برای گناهکاران و کفار وجود دارد؟

- روایت خاصی که بشود به این سؤال نسبت داد وجود ندارد اما آنچه که به ذهن می رسد این است که کفار فرصت توبه ندارند زیرا طبق احادیث این گناهکاران برای گرفتن انتقام بازگردانده می شوند مانند کسی که برای اعدام برده می شود که دیگر در راه، فرصت توبه ندارد.

ابنا: یک سوالی که به ذهن انسان می آید این است که عذاب الهی در قیامت و جهنم دردناک تر و عذاب آور تر از مجازات در این دنیا است، پس دیگر چرا کافران را به این دنیا باز می گردانند تا مجازات شوند؟

- در فلسفه رجعت عرض شد که جایگاه اصلی عذاب در قیامت است اما خداوند می خواهد بخشی از آن را در این دنیا به کافران بچشاند. با یک مثال این مطلب را توضیح می دهیم، شما فرض کنید که خانواده شهدای جنگ تحمیلی ایران و عراق در مکانی حضور دارند. همه ما می دانیم که یکی از عناصر داغدار شدن این خانواده ها، صدام است و صدام از همان لحظه که وارد برزخ می شود، در عذاب است و تا قیامت و جهنم هم در این عذاب خواهد ماند. اگر به خانواده های شهدا بگویند که آیا می خواهید که در این دنیا نیز علاوه بر آن دنیا این فرد

ظالم مجازات شود و انتقام خون های بی گناہانی که ریخته است، از او گرفته شود، آیا استقبال نمی کنید و خوشحال نمی شوید؟ قطعاً جواب آنها مثبت خواهد بود. این لطف خداوند است که خواسته است کافران بخشی از عذاب خود را در این دنیا ببینند و باعث تشریفی دل مؤمنین در این دنیا شود.

ابنا: از فرصتی که در اختیار ما قرار دارید سپاسگزاریم.